



Smart City and Citizen Rights: Requirements and Responsibilities

Javad Alipoor¹, Hatef Pourrashidi²

1. Assistant Professor of International Relations, Political Science
Department, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz,
Iran. Email: alipor@tabrizu.ac.ir

2. Assistant Professor of Communication Sciences, Faculty of Social
Sciences, Communication and Media, University of Religions and
Denominations, Qom, Iran. (Corresponding Author). Email:
h.pourrashidi@urd.ac.ir

Abstract

The concept of “smart city” as a new phenomenon in urban governance refers to a set of new technologies and solutions that are used to improve the quality of the citizens’ life and the optimal management of urban resources. In the present era, the application and implementation of new urban management methods is only possible by using new technologies, which results in the expansion of smart cities. In a smart city, the citizens are recognized not only as the consumers of services, but also as the active participants in urban decision-making and planning processes. This change in approach and the synthesis of smart city and smart citizen has fostered two issues; the requirements of a smart city and the rights and duties of smart citizens. Given the increasing progress and development of various technologies and the emergence of smart city, the objective of this article is to study the requirements of smart city and the duties of smart citizens while examining the smart city and the living conditions of citizens in such a city. In terms of methodology, this article uses a documentary and analytical-descriptive method and seeks to examine the characteristics and requirements of a smart city and the definition of smart citizens, as well as examines the rights of citizens in a smart city in order to answer this question; what are the requirements of a smart city and what are the duties of smart citizens. The realization of the components related to citizenship rights in the process of creating and developing smart cities requires the interaction of the government with investors in smart cities. In this regard, the priority is to use smart and electronic tools to solve people's problems in various areas and to provide more and better opportunities for people to participate so that people's rights in areas such as free access to information and freedom of expression are respected. In a smart city, individual rights are not considered and a range of social rights must be considered. The result of this action is to provide people's participation in the administration of smart cities, which in fact entails the realization of social justice. Therefore, the main task in observing citizenship rights in a smart city is the responsibility of government

polymakers and investors so that they can provide the basis and possibility for the realization of social justice and broad participation of citizens.

Keywords: Smart City, Smart Citizen, Citizen Rights, Social Justice

Received: February 16 2024

Revised: March 2, 2024

Accepted: April 9, 2024

Available Online: April 17, 2024

Article Type: Research Paper

Published by: Hazrat-e Masoumeh University

DOI: 10.22034/cjls.2025.2046409.1017





شهر هوشمند و حقوق شهروندی: الزامات و تکالیف

جواد علی پور^۱، هاتف پوررشیدی^{۲*}

۱. استادیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

رایانامه: alipor@tabrizu.ac.ir

۲. استادیار علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

نویسنده مسئول (رایانامه: h.pourrashidi@urd.ac.ir)

چکیده

مفهوم شهر هوشمند به عنوان یک پدیده جدید در حکمرانی شهری به مجموعه‌ای از فناوری‌ها و راهکارهای نوین اشاره دارد که به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان و مدیریت بهینه منابع شهری به کار می‌روند. در عصر حاضر، اعمال و اجرای شیوه‌های جدید مدیریت شهری، تنها با استفاده از فناوری‌های نوین امکان‌پذیر است که نتیجه آن گسترش شهرهای هوشمند است. در یک شهر هوشمند، شهروندان نه تنها به عنوان مصرف‌کنندگان خدمات، بلکه به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری شناخته می‌شوند. این تغییر رویکرد و پیوند شهر هوشمند و شهروند هوشمند به این مسئله منجر شده است که شهر هوشمند چه الزاماتی دارد و شهروند هوشمند از چه حقوق و تکالیفی برخوردار است. با توجه به پیشرفت و توسعه روزافزون فناوری‌های مختلف و پدیدار شدن شهر هوشمند، هدف این مقاله این است که ضمن بررسی شهر هوشمند و شرایط زیست شهروندان در چنین شهری، الزامات شهر هوشمند و تکالیف شهروندان هوشمند را مطالعه کند. از نظر روش‌شناسی، این مقاله به روش اسنادی و توصیفی - تحلیلی درصدد است ضمن بررسی ویژگی‌ها و الزامات شهر هوشمند و تعریف شهروند هوشمند، حقوق شهروندی در شهر هوشمند را بررسی کرده و به این سؤال پاسخ دهد که شهر هوشمند چه الزاماتی دارد و شهروند هوشمند چه تکالیفی دارد. تحقیق مؤلفه‌های مربوط به حقوق شهروندی در فرآیند ایجاد و توسعه شهرهای هوشمند نیازمند تعامل دولت با سرمایه‌گذاران شهرهای هوشمند است. در این خصوص اولویت در بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند و الکترونیک برای رفع مشکلات مردم در حوزه‌های مختلف و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت بیشتر و بهتر مردم است تا حقوق مردم در حوزه‌هایی نظیر دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان رعایت شود. در شهر هوشمند حقوق فردی

مطرح نیست و گستره‌ای از حقوق اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد. نتیجه این اقدام فراهم شدن مشارکت مردم در اداره شهرهای هوشمند است که در واقع تحقق عدالت اجتماعی را در پی دارد. ازاین‌رو، تکلیف اصلی در رعایت حقوق شهروندی در شهر هوشمند بر عهده سیاست‌گذاران حاکمیتی و سرمایه‌گذاران است تا بتوانند زمینه و امکان تحقق عدالت اجتماعی و مشارکت گسترده شهروندان را فراهم نمایند. **واژگان کلیدی:** شهر هوشمند، شهروند هوشمند، حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی

تاریخ دریافت:	۱۴۰۲/۱۱/۲۷	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۲/۱۲/۱۲	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۱/۲۱	DOI:	10.22034/cjls.2025.2046409.1017
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۱/۲۹		



شهر هوشمند به عنوان یکی از مهم ترین مفاهیم در عصر حاضر، به سرعت در حال شکل گیری و توسعه است. این مفهوم به مجموعه ای از فناوری ها و راهکارهای نوین اشاره دارد که به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان و مدیریت بهینه منابع شهری به کار می روند. با افزایش جمعیت شهری و نیاز به زیرساخت های پایدار، مفهوم شهر هوشمند به یک ضرورت تبدیل شده است. تأکید این مفهوم بر این است که ضمن مدیریت بهتر و کارآمدتر شهر، می توان نیازهای اساسی مردم را در بستری از فناوری و تکنولوژی رفع کرد. برای نیل به این هدف، بهره گیری از فناوری های نوین با توجه به افزایش جمعیت شهرنشین در سطح دنیا بیش از گذشته خود را نمایان کرده است. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، تعداد افرادی که در ناحیه شهری زندگی می کنند به صورت دائمی در حال افزایش است. تا جایی که «پیش بینی می شود تا سال ۲۰۵۰، نسبت افرادی که در شهرها زندگی می کنند از ۵۳ درصد به ۷۰ درصد افزایش پیدا کند» (UN, 2015).

از این رو، شهرها با چالش ها و تغییرات عمده ای مواجه می شوند که ناشی از تغییرات زیست محیطی جهانی، شهرسازی ناگهانی و زیرساخت های قدیمی است که این معضلات می تواند حیات شهرها را با چالش های اساسی مواجه نماید. برای مقابله با این چالش ها لازم است که «در شیوه سنتی مدیریت شهرها تجدیدنظر نمود و شیوه های جدید مبتنی بر مدیریت واحد شهری به صورت هوشمند را جایگزین نمود». (فارغزاده و جمشیدی، ۱۳۹۶) این شیوه باید مبتنی بر حفاظت و بهبود منابع طبیعی و فرهنگی، پخش متعادل سودها و هزینه ها، گسترش گزینه های حمل و نقل، اشتغال مسکن، توسعه پایدار و ارتقای بهداشت و سلامت و اجتماع سالم باشد. برای مدیریت و کنترل این چالش ها می توان از قابلیت های فناوری استفاده کرد. در همین راستا، شهر هوشمند به کمک «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (فاوا)^۱ و اینترنت اشیا (آی.او.تی.)^۲ به دنبال ایجاد محیطی کارآمدتر، ایمن تر و پایدارتر برای زندگی است. در چنین شهری، استفاده از داده های بزرگ و تحلیل های پیشرفته، به مدیران شهری کمک می کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و خدمات عمومی را بهبود بخشند. به عنوان مثال، سیستم های حمل و نقل هوشمند می توانند به کاهش ترافیک و آلودگی هوا کمک کنند و خدمات بهداشتی و آموزشی به صورت بهینه تری ارائه شوند.

در عصر حاضر، اعمال و اجرای شیوه های جدید مدیریت شهری، تنها با استفاده از فناوری های نوین امکان پذیر است که نتیجه آن ظهور شهرهای هوشمند است. فناوری های نوین در

1. Information and Communications Technology (ICT)
2. Internet of things (IoT)

کنار فراهم آوردن سهولت در حل مشکلات شهروندان و پاسخ به نیازهای آنان، ارمغانی به نام شهرهای هوشمند دارد. این مقوله در پی توانمندی فناوری‌های دیجیتال در حل چالش‌های بزرگ کلان‌شهرها حاصل شده و موجب افزایش سرعت پذیرش فناوری شده است. نتیجه این تحول، تغییر مناطق شهری و تبدیل آنان به شهرهای هوشمند است. در این تحول، فناوری تحول‌آفرین تنها یکی از عناصر محرک است و عنصر دوم مبتنی بر شهرهای «هوشمند داده» است. درحالی‌که «سومین رکن شهر هوشمند، افراد یا شهروند هوشمند است» (Ward & Dabeldman, 2020, p.3). شهر هوشمند با استفاده از قدرت داده در پی ایجاد راهکارهای هوشمند است تا نیازهای واقعی کاربران شهری را برآورده نماید. لازمه توفیق در این مسیر، طراحی ساده و شفاف است که به راحتی پذیرفته می‌شود و تغییرات ماندگاری در رفتار ایجاد می‌کند. ازاین‌رو، می‌توان استدلال کرد که تمامی مقولات شهر هوشمند مبتنی بر رفتار انسان است و بر اساس پاسخگویی به نیازهای شهروند هوشمند اداره می‌شود. در یک شهر هوشمند، شهروندان نه تنها به عنوان مصرف‌کنندگان خدمات، بلکه به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری شناخته می‌شوند. این تغییر رویکرد، نیازمند توجه به حقوق و وظایف شهروندان در فضای دیجیتال و فیزیکی است. حقوق شهروند هوشمند شامل حق دسترسی به اطلاعات، حق حریم خصوصی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و حق برخورداری از خدمات برابر است. ازاین‌رو، باید تأکید کرد که «محور توسعه شهر هوشمند، مفهوم «شهروندی هوشمند» است که بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندان در این محیط یکپارچه فناورانه تأکید دارد» (Boulos et al.2021, p.124).

با توجه به اینکه شهر هوشمند به شدت به داده‌ها و اطلاعات وابسته است، مسئله حریم خصوصی و امنیت داده‌ها به یکی از چالش‌های اصلی تبدیل می‌شود. شهروندان باید مطمئن باشند که اطلاعات شخصی آن‌ها به درستی مدیریت می‌شود و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری می‌شود. همچنین، در یک شهر هوشمند، دسترسی برابر به فناوری و خدمات برای تمامی شهروندان، از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر، باید تضمین شود. این امر به ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های موجود کمک می‌کند. علاوه بر این، مفهوم مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری نیز به شدت مورد توجه قرار گرفته است. در شهر هوشمند، استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخگویی در مدیریت شهری کمک کند. به عنوان مثال، پلتفرم‌های آنلاین می‌توانند به شهروندان این امکان را بدهند که نظرات و پیشنهادات خود را در مورد پروژه‌های شهری ارائه دهند و در فرآیندهای مشورتی مشارکت کنند.

در نهایت، بررسی این دو مفهوم، یعنی شهر هوشمند و حقوق شهروند هوشمند، نیازمند یک

رویکرد چندبعدی و بین‌رشته‌ای است. این بررسی جنبه‌های فنی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را شامل می‌شود و به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی شهر هوشمند کمک می‌کند. با توجه به سرعت بالای تغییرات تکنولوژیکی و تحولات اجتماعی، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در این حوزه احساس می‌شود تا بتوانیم در این خصوص به یک مدل پایدار و عادلانه برای شهر هوشمند دست‌یابیم. ظهور پدیده‌ای به نام شهروند هوشمند، تکالیف و حقوق جدیدی علاوه بر حقوق و تکالیف سنتی بر عهده شهروندان می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، شهر هوشمند برای اداره درست، نیازمند شهروند هوشمند است و شهروند هوشمند نیز از حقوق شهروندی با مؤلفه‌های جدید برخوردار است. از این منظر، همان‌طور که «شهرها به اکوسیستم‌های هوشمند تبدیل می‌شوند، تعامل بین فناوری و حقوق شهروندی به یک حوزه مهم مطالعاتی تبدیل می‌شود و نیاز به گفتگوی مداوم بین سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان شهری و مردم برای ایجاد محیط‌های شهری عادلانه دارد» (Söderström et al. 2014).

این مقاله به روش اسنادی و تحلیلی توصیفی، درصدد است ضمن بررسی ویژگی‌ها و الزامات شهر هوشمند و تعریف شهروند هوشمند، حقوق شهروندی در شهر هوشمند را بررسی کرده و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که اساساً حقوق شهروندی در شهر هوشمند چه الزاماتی دارد و چه تکالیفی را برای شهروند هوشمند تعریف می‌نماید.

۱. مبانی نظری

از آنجاکه مفهوم شهر هوشمند در سه حوزه اصلی دانشگاهی، صنعتی و حکومتی توسعه‌یافته است (Mosannenzadeh & Vettorato, 2014) از این‌رو، باید تعامل میان شهر هوشمند و شهروند هوشمند نیز در این چارچوب تعریف گردد. ادبیات دانشگاهی رویکردی کل‌نگر و جامع دارد و با توجه به علاقه‌مندی به توسعه دانش و اطلاعات معنی «هوشمند طیف وسیعی از خصوصیات مانند خود پیکربندی، خود ترمیمی، محافظت از خود و خود بهینه‌سازی را در بر می‌گیرد» (Nam & Padro, 2011) در ادبیات صنعتی با گرایش به کسب‌وکار و ابزارهای صنعتی، مفهوم هوشمند به خدمات و محصولات هوشمند، هوش مصنوعی و دستگاه‌های متفکر اشاره دارد. (Nam & Padro, 2011) سرانجام، در اسناد حکومتی باهدف مدیریت توسعه شهری، کلمه هوشمند در ارتباط با نظریه برنامه‌ریزی شهری «رشد هوشمند»^۱ تفسیر می‌شود که در اوایل دهه ۹۰ برای جلوگیری از پراکنده‌گویی پدید آمد. باوجود این تنوع به نظر می‌رسد استفاده از فناوری و نوآوری اجتماعی موضوع اصلی این مفهوم است. یکی از

1. Smart growth

تأثیرگذارترین تعاریف در ادبیات دانشگاهی توسط دانشگاه صنعتی وین در سال ۲۰۰۷ ارائه شده است: «شهر هوشمند، شهری است که به‌خوبی در حال اجرای راه‌های روبه‌جلو در خصوصیات شش‌گانه، مردم هوشمند، تحرک هوشمند، حکمروایی هوشمند، زندگی هوشمند، اقتصاد هوشمند و محیط هوشمند است که در ترکیبی هوشمند از دارایی‌ها و فعالیت‌های سرنوشت‌ساز، مستقل و آگاه شهروندان ساخته می‌شود». (Mosannenzadeh & Vettorato, 2014) درحالی‌که در ادبیات صنعتی ازجمله ایده شرکت آی بی ام^۱ در مورد شهر هوشمند، شهرها به‌عنوان سیستمی از سیستم‌ها در نظر گرفته شده است. این شرکت شهر هوشمند را به‌عنوان شهری تعریف می‌کند که فناوری را برای تغییر و دگرگونی سیستم‌های اصلی‌اش و بهینه‌سازی بازگشت منابع کاملاً محدود مورد استفاده قرار می‌دهد. (Habitat, 2015) اما ادبیات حکومتی بیشتر بر روی جنبه‌های اداری و مالی شهر هوشمند و بر اهداف زیست‌محیطی مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای تأکید می‌کند. به‌طورکلی، ادبیات دانشگاهی رویکرد کل‌نگر و جامع دارد و طیف گسترده‌ای از موضوعات را بر بهبود در سه حوزه حکمروایی در برمی‌گیرد و عمدتاً بر توسعه اجتماعی و محیط‌زیست متمرکز شده است.

با عنایت به این دیدگاه‌ها، تعامل میان شهر هوشمند و شهروند هوشمند نیز کاملاً هوشمندانه و مبتنی بر الزاماتی است که باید مدنظر قرار گیرد. شهر هوشمند الزاماتی دارد که بیشتر به آن‌ها اشاره شد و برای نیل به اهداف غائی‌اش از ابزارهای لازم بهره می‌گیرد. در این میان، شهروند هوشمند نیز با درک درست این الزامات پاسخ مناسب و هدفمند ارائه می‌نماید. تمامی اهداف مدنظر شهر هوشمند در هر سه ادبیات دانشگاهی، حکومتی و صنعتی تنها از طریق شهروند هوشمند تأمین می‌شود که باید در برقراری تعامل مطلوب و درست و سازماندهی شده در راستای آن گام برداشت؛ بنابراین، حکمرانی هوشمند یا زمامداری هوشمند، اعمال حاکمیت به‌هم‌پیوسته درون‌شهری در سراسر شهر می‌باشد که شامل خدمات و تعاملاتی می‌شود که سازمان‌های مدنی، دولتی، خصوصی و نظام جهانی را به هم متصل نموده و در صورت نیاز، با هم ادغام می‌کند تا شهر بتواند به مانند یک ارگانیکسم کارآمد و اثربخش به حیات خود ادامه دهد.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مختلفی در مورد حقوق شهروندی انجام شده است، اما در مورد حقوق شهروندان در شهر هوشمند تحقیقات محدودی انجام شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. آرامش شهبازی و ساناز شبانی‌کلاهی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های حقوقی حفظ حریم

1. IBM

خصوصی در شهرهای هوشمند با نگاهی به حقوق بین الملل و حقوق ایران» استدلال می کنند که فناوری ها و برنامه های کاربردی در شهر هوشمند، برخی نگرانی ها و چالش هایی در باب امنیت و حفظ حریم خصوصی شهروندان به دلیل دسترسی به طیف گسترده ای از اطلاعات خصوصی شهروندان و اعمال نظارت ها و محدودیت ها ایجاد کرده است. لذا با بررسی قوانین و مقررات در حقوق بین الملل و حقوق ایران در رابطه با حریم خصوصی در شهرهای هوشمند نتیجه می گیرند که دو نوع ضعف در این حوزه وجود دارد؛ خلأهای قانونی در حقوق ایران و فقدان تناسب سرعت به روز شدن قوانین در سطح بین المللی و حقوق ایران با سرعت پیشرفت فناوری های استفاده شده در شهرهای هوشمند.

شهریور روستایی، محمدرضا پورمحمدی و حکیمه قنبری (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «تئوری شهر هوشمند و ارزیابی مؤلفه های زیرساختی آن در مدیریت شهری مورد شناسی: شهرداری تبریز» معتقدند که نحوه برنامه ریزی و استفاده از ابزارهای الکترونیک هوشمند در جهت ارتقای سطح کیفی زندگی شهروندان در شهر هوشمند از استفاده از این ابزارها و سیستم ارتباطاتی مهم تر است، زیرا موجب افزایش کیفیت زندگی شهری با رویکرد توسعه پایدار می شود. رویکرد نویسندگان این پژوهش کار بنیادی بوده و باهدف شناسایی مؤلفه های زیرساختی شهر هوشمند در مدیریت شهری شهرداری تبریز انجام شده است. نتیجه حاکی از این است که برای تبدیل ظرفیت های شهر هوشمند به زیرساخت، بایستی تغییر ساختاری و رویکردی در عوامل نهادی صورت گیرد و «حکمرایی خوب شهری»، مهم ترین استراتژی برای ایجاد پلتفرم شهر هوشمند در مدیریت شهری تبریز معرفی می شود.

سعید حسین آبادی و یعقوب زنگنه (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان «تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزوار)» استدلال می کنند که حقوق شهری تنظیم کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است و آگاهی از این حقوق سبب نظارت بهتر بر مدیریت شهری، مطالبه گری و شهروندی فعال می شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که سطح آگاهی شهروندان سبزواری از حقوق شهری در سطح پایینی است و شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف مابین خود و مدیریت شهری (شهرداری و شورای شهر) آگاهی نسبتاً کمی دارند.

حامد فلاح تفتی، مجید حیدری کوشکنو و راضیه الماسی سروستانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «شناخت مؤلفه های شهروند هوشمند در محیط شهری با رویکرد یادگیری فناورانه (مورد مطالعه: شهر یزد)» بر این باورند که مؤلفه های شهروند هوشمند در سایه نظریه رشد هوشمند و تعالی شهری به فراموشی سپرده شده است تا جایی که اغلب برنامه ریزان و طراحان

شهری تنها به بررسی شاخص‌های اقتصاد و خدمات هوشمند در شهرها تمرکز می‌کنند و کمتر به سبک زندگی و فرهنگ شهروندان و تأثیر آن بر پیشرفت شهری می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش پیمایشی حاکی از آن است که شهروندان نقش قانون‌مداری را در ویژگی‌های شهروند هوشمند با اهمیت‌تر می‌دانند و استفاده بهینه از فاوا و شکل‌گیری شهر هوشمند، آثار مثبتی بر ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شهر یزد خواهد داشت.

فرهاد فرهادی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های حقوق شهروندی و اولویت‌بندی آن در فضای مجازی با استفاده از تحلیل تم و دیمتل فازی (مطالعه موردی: فولاد شهر)» بیان می‌کنند که با توجه به گسترش فضای مجازی، شهروندان توقع دارند که حقوق شهروندی در فضای مجازی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. نتایج این پژوهش به روش آمیخته نشان داد که حقوق شهروندی نه مضمون را شامل می‌شود: رعایت حریم خصوصی، امنیت، حق مؤلف، آزادی بیان، زیرساخت فناوری اطلاعات، حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی، قوانین و مقررات، حق آموزش، رعایت حقوق کودکان و زنان. در این میان حق آموزش تأثیرگذارترین و حفظ کرامت تأثیرپذیرترین عامل است.

۳. تعریف شهر هوشمند

در سال‌های اخیر توسعه جامعه اطلاعاتی و انواع تکنولوژی‌ها، زندگی بشر را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده‌است. ازجمله موضوعات مطرح در این خصوص، شهر هوشمند^۱ است. اندیشمندان مختلف تعاریف متعددی در این خصوص این واژه مطرح کرده‌اند. این مفهوم از منظر توسعه شهری این‌گونه تعریف شده است: «مفهوم شهر هوشمند، گویای مدل مفهومی توسعه شهری بر پایه استفاده از منابع و ظرفیت‌های شهروندی و فنی برای پیشبرد و ارتقای توسعه و رفاه مناطق شهری است» (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴). در تعریفی دیگر، «شهر هوشمند به‌عنوان یک شهر پیشرفته و فشرده با تکنولوژی بالا عنوان شده است که در آن مردم اطلاعات و عناصر شهری را با فناوری‌های جدید به‌منظور ایجاد یک شهر پایدار، سرسبزتر، تجارت نوآورانه و رقابتی و یک زندگی با کیفیت بالا به هم پیوند می‌زنند» (Bakici et al. 2013) از سویی دیگر، برخی از اندیشمندان، شهر هوشمند را «به معنی استفاده از همه منابع و فناوری‌های موجود به‌صورت هوشمندانه و هماهنگ به‌منظور توسعه مراکز شهری پایدار، قابل سکونت و یکپارچه تعریف کرده‌اند» (Barrionuevo et al, 2012) اما تعاریف دیگری نیز در حوزه نحوه مدیریت بخش‌های

مختلف و بالا بردن توان توسعه در فعالیتهای کسب و کار بیان شده است؛ «شهر هوشمند نتیجه استراتژیهای خالق و دانش محور است که هدف آن ارتقاء عملکرد رقابتی، پشتیبانی، اکولوژیکی، اقتصادی - اجتماعی است. چنین شهر هوشمندی بر پایه ترکیبی نویدبخش از سرمایههای انسانی (نیروی کار ماهر)، سرمایههای زیرساختی (امکانات ارتباطی با تکنولوژی بالا)، سرمایههای اجتماعی (ارتباطات شبکه‌ای باز و شدید) و سرمایههای کارآفرینی (فعالیت‌های کسب و کار ریسک‌پذیر و خلاق) قرار دارند» (Nijkamp & Kourtit, 2012)

از این رو، می‌توان گفت که بهره‌وری بالا در حوزه‌های مختلف از جمله ویژگی‌های شهر هوشمند است که در تعاریف مختلف بیان شده است. در مجموع، می‌توان شهر هوشمند را نوعی امکان برای بالا رفتن بهره‌وری در کنار مدیریت و ارتباطات دانش بنیان و هدف نهایی شهر هوشمند را ارائه خدمات هوشمند در همه قابلیت‌های حیاتی شهر عنوان کرد.

نگاهی به پروژه‌های شهر هوشمند در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که تمام اهداف مطرح شده نظیر کاهش کربن، دستیابی به بهره‌وری انرژی، تأثیرگذاری فناوری ارتباطات و اطلاعات در توسعه صنایع خاص (در زمینه‌های چند رسانه‌ای یا صنایع دانش محور)، دستیابی به محیط زندگی با بالاترین کیفیت برای ساکنین، توسعه فضاهای سبز در درون شهر، توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی پیشرفته قابل دسترس، دستیابی به رشد اقتصادی و کیفیت زندگی به‌طور هم‌زمان، توسعه جوامع پایدار، تضمین سازگاری اجتماعی میان گروه‌های مختلف ساکنان، تکامل شهر به‌عنوان آزمایشگاه زندگی به‌منظور بهبود مستمر و پیوسته (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳) در توسعه این شهرها مدنظر قرار گرفته‌اند.

۴. مؤلفه‌ها و الزامات شهر هوشمند

شهر هوشمند همانند بسیاری از پارادایم‌های نظری دارای مؤلفه‌ها و فاکتورهایی است که بر اساس آن شناسایی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. «شهر دیجیتال، شهر اطلاعاتی، شهر سیم‌کشی شده، شهر مبتنی بر دانش، جوامع الکترونیکی، شهر انعطاف‌پذیر، تله توپیا و شهر سایبری از جمله معادل‌هایی است که برای شهر هوشمند در متون پژوهشی قید شده است» (مولائی، شاه‌حسینی و دباغچی، ۱۳۹۵، ص ۷۶). بر این اساس، مؤلفه‌ها و فاکتورهای تعریف شده برای شهر هوشمند دارای تفاوت‌هایی در هر کدام از تعابیر است. در این میان مؤلفه‌های شهر هوشمند بر اساس ارزیابی و تعریف اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی مختلف به‌صورت متفاوتی ارائه شده است. کومنینوس^۱ (۲۰۱۱) در

1. Komninos

تلاش برای ترسیم خصوصیات یک شهر هوشمند چهار بعد را به شرح زیر معرفی می‌کند: بعد اول؛ مربوط به استفاده از طیف وسیعی از فناوری‌های دیجیتال و الکترونیک برای یک شهر سایبری، دیجیتال، اطلاعاتی یا دانش‌محور است. بعد دوم؛ استفاده از فناوری اطلاعات برای متحول کردن زندگی و کار است. بعد سوم؛ تعبیه فاوا در زیرساخت‌های شهری است. بعد چهارم؛ هدایت فاوا و مردم با همدیگر به‌منظور افزایش نوآوری، یادگیری و دانش است. از سوی دیگر گفینگر و همکاران چهار جزء را برای شهر هوشمند شناسایی کرده‌اند که شامل صنعت، آموزش و پرورش، مشارکت و زیرساخت است. (پوراحمد و همکاران، ص ۱۵)

در همین راستا مؤلفه‌های دیگری نیز از سوی سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتحادیه اروپا برای شهرهای هوشمند تعریف شده که بر اساس آن ماهیت یک شهر هوشمند قابل ارزیابی است. «اقتصاد هوشمند، مردم هوشمند، حکمرانی هوشمند، تحرک هوشمند، محیط هوشمند و زندگی هوشمند» از جمله مؤلفه‌هایی است که بر اساس آن می‌توان شهر هوشمند را مورد ارزیابی قرار داد. (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶) آنچه در این میان دارای اهمیت است پرداختن به این موضوع است که هرکدام از این مؤلفه‌ها به‌تنهایی نیز می‌تواند ماهیت شهرهای هوشمند را نشان داده و مبنای ارزیابی قرار گیرد، اما وجود هرکدام از این مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر به تحقق شهر هوشمند به‌صورت بارزتری کمک کرده و تحقق آن را آسان‌تر می‌کند. در همین زمینه، انجمن جوامع هوشمند، عمده‌تأ تحقق توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات را عاملی در راستای تحقق شهر هوشمند معرفی کرده است. بر اساس نظر این انجمن، «زیرساخت‌های پهنای باند، نیروی کار دانش‌بنیان، نوآوری، دموکراسی دیجیتال و بازاریابی» به‌عنوان مؤلفه‌های تحقق شهر هوشمند معرفی شده‌اند. (مولائی، شاه‌حسینی و دباغچی، ۱۳۹۵، ص ۷۹) در کنار تمام این تعاریف و مؤلفه‌ها آنچه در تحقق شهر هوشمند به‌عنوان مؤلفه‌ها و یا ابعاد اصلی تعریف شده، نوعی همکاری میان هوش فردی، جمعی و مصنوعی است که می‌تواند به تحقق شهر هوشمند کمک کند. آموزش نیروی کار و یا به عبارتی نیروی کار دانش‌بنیان درواقع گامی در تحقق ارتقای هوش فردی، دموکراسی دیجیتال و نوآوری است؛ این امر در راستای ارتقای هوش جمعی و نهایتاً توسعه زیرساخت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات قابل ارزیابی است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، بیش از ۹ تعریف برای شهر هوشمند موجود است که هر کدام مؤلفه‌های متفاوت و گاه مشابهی را برای شهر هوشمند برشمرده‌اند؛ اما «وجه مشترک تمام این تعاریف و مؤلفه‌ها موضوع گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات است». (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸)

۵. مزایا و معایب شهر هوشمند

شهر هوشمند همانند سایر پدیده‌های ساخت بشر دارای مزایا و معایبی است که باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد. ولی بدون شک الزامات امروز جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی حرکت به سوی شهر هوشمند را اجتناب‌ناپذیر کرده است. وجود شهرهای هوشمند می‌تواند توسعه در ابعاد مختلف را فراهم نماید. در این راستا، یکی از مزایای شهر هوشمند وجود محله‌ها و رسته‌های هوشمند است که می‌تواند اختلاط و هم‌جواری فعالیت‌های شهری مجاز را ایجاد کرده و به کاهش مصرف انرژی و افزایش خودکفایی منجر شود. در همین زمینه می‌توان تأکید کرد که استفاده از کاربری‌های مختلط شهری و چندمنظوره در نظام کاربری شهر برخلاف آنچه در شهرسازی مدرن محدود شده است، نتایج مفیدی را از قبیل امکان استفاده متناسب با نیاز و کاهش مصرف و تنوع و سرزندگی را به همراه دارد. استفاده بهینه و چند منظوره از فضاها و کاربری‌های مختلط در سطح شهر در طول ساعات شبانه‌روز، صرفه‌جویی در زمان و فضا و ساختمان را به دنبال دارد. همچنین، عملکرد محلات شهری با وجود فناوری‌های جدید ارتقاء یافته و در مقولاتی نظیر ترافیک، حمل‌ونقل و توزیع کالا و خدمات تأثیر مثبت و با مصرف انرژی کمتر ایفای نقش خواهد کرد. (احمدی و عمرانی، ۱۳۹۴، ص ۸) لذا، حمل‌ونقل و ترافیک هوشمند را می‌توان از دیگر مزیت مهم شهرهای هوشمند برشمرد، چراکه کاربرد ابزارهای «سامانه موقعیت‌یاب جهانی» (جی.پی.اس.)^۱ و کنترل هوشمند نقاط بحرانی، برای راه‌یابی و ترابری در شهر به کنترل راه‌بندان‌ها و کمتر شدن مسیره‌ها، صرفه‌جویی‌های قابل توجهی را در پی دارد. (Castells, 1989, p.10)

ارتقا سیستم توزیع خدمات و کالا به گونه‌ای که فاصله‌های بین خانه‌ها، مراکز کاری، فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی به قدری کم شود که بتوان بدون استفاده از وسایل نقلیه به آن‌ها دسترسی پیدا کرد و از سوی دیگر زمینه کاهش مصرف سوخت فراهم شود، از دیگر مزیت‌های شهر هوشمند است. (Marcus, 1997, p.289) علاوه بر این، مزیت دیگر شهر هوشمند این است که امکان مقابله با بحران‌های اجتماعی و بلایای طبیعی را با شناخت و هشدارهای سریع و انعطاف‌پذیری فراهم می‌کند و توانایی لازم برای مقابله با حوادث غیر مترقبه را افزایش داده و با آگاهی و عکس‌العمل به موقع ضرر و زیان‌های جانی و مالی را کاهش می‌دهد. (احمدی و عمرانی، ۱۳۹۴، ص ۹) ایجاد دولت الکترونیک، دورکاری و کنترل از راه دور درکنار آموزش از راه دور از دیگر مزایای شهرهای هوشمند به شمار می‌رود که می‌تواند در برابر چالش‌هایی نظیر امنیت

1. Global Positioning System (GPS)

سایبری شهر هوشمند، امنیت شبکه هوشمند برق، امنیت خانه‌های هوشمند، امنیت سیستم حمل و نقل هوشمند، جعل هویت و سلامت هوشمند، کفه سنگین تری به خود اختصاص داده و حرکت به سمت این شهرها را توجیه نماید.

۶. شهروند هوشمند

شهروندی، یکی از پویاترین مفاهیم اجتماعی جامعه مدرن است که در کانون سیاست‌گذاری‌های اجتماعی قرار گرفته است. (De Waal & Dignum, 2017) به‌خصوص در اثر مباحثات و مناقشات ایجاد شده در دهه‌های اخیر بر سر حقوق اجتماعی شهروندی که دولت نماینده و فراهم‌کننده رفاه آن است، مفهوم شهروندی با تغییر موضع از حقوق به تکالیف، هم در سطح نظر و ایدئولوژی و هم در سطح عمل و سیاست‌گذاری و با پذیرفتن صفت‌هایی از قبیل فعال، خوب، حساس، مسئول، آگاه و مشارکت‌جو، به آرمانی زنده و ملموس در دوران معاصر همراه شده است (موسوی و مبارکی، ۱۳۹۶).

مفهوم شهروندی ترکیبی از چند عنصر کلیدی است که شامل، مشارکت در امور اجتماعی، هم‌تأثیرگذار و هم‌تأثیرپذیر، متضمن داشتن احساس هویت، پذیرش ارزش‌های اجتماعی و داشتن حقوق و مسئولیت است. (Capra, 2016) شهروندی، زاینده زیستن در دنیای معاصر است که با تأکیدی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی راه پیشرفت و ارتقای جامعه را هموار سازد (صوفی و شفیع اف، ۱۳۹۶). یکی از موضوعات مهم در زمینه شهروندی، آموزش شهروندی است. آموزش شهروندی شامل دانش، ابزار و فعالیت‌هایی است که به‌منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی دموکراتیک و پذیرش و اعمال حقوق و مسئولیت‌های خود طراحی می‌شوند. باید توجه داشت که آموزش شهروندی، مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود. آموزش شهروندانی کارآمد، آگاه و توانمند که از یک طرف نسبت به حقوق خود آگاه هستند و آن را اعمال می‌کنند و از طرف دیگر می‌دانند که راه دستیابی به بیشترین میزان رضایت شخصی از طریق مشارکت فعال در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه حاصل می‌شود، ضرورتی مهم برای هر نظام آموزشی است. (تیمورنژاد، یوزباشی و ابراهیمی، ۱۳۹۶) با عنایت به این مسئله، «در انگلیس از سال ۲۰۰۲، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به‌طور رسمی در برنامه درسی مدارس از ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفته است». (Keating & Janmaat, 2015)

آگاهی از حقوق شهروندی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره مدرن است. «عدم توجه به آگاهی از حقوق شهروندی، مخدوش‌کننده پایگاه‌ها و نقش‌ها و سبب تأخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آن‌ها و ایجاد خلل در روابط و تعاملات و مشارکت می‌شود». (Baraldi & Cockburn, 2018) برای مقابله با این تهدید، هر شهروند با توجه به جایگاه و پایگاه اجتماعی خویش، در جامعه شهری دارای حقوقی است. بر این اساس به صورت خلاصه حقوق شهروندی به سه دسته زیر تقسیم می‌گردد: حقوق قانونی و مدنی؛ شامل آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره‌مندی از عدالت و ... حقوق سیاسی؛ شامل حق شرکت در انتخابات و حق مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی؛ شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، خدمات مدنی و ... (Cox & García, 2017).

در همین زمینه و با توجه به الزامات شهر هوشمند، شهروند هوشمند کسی است که برای انجام امور خود، اهل فکر و برنامه‌ریزی و استفاده حداکثری از فناوری اطلاعات برای صرفه‌جویی در وقت، افزایش بهره‌وری در انجام امور روزانه و قابلیت ارزیابی و تصحیح فرایندهای روزمره است. به طور کلی، انسان‌های هوشمند، نسبت به اطرافیان خود، جامعه، نیازها و چگونگی پاسخ به این نیازها آگاه هستند و آن‌ها را در برنامه‌ریزی خود برای آینده، ملاک عمل قرار می‌دهند. به عقیده برخی از پژوهشگران، شهروند هوشمند در مقابل جبر فن‌سالاری قرار دارد و به نوعی ایده‌های پایین به بالا را تقویت می‌کند. شهروند هوشمند در این ایده، توانایی تغییر شرایط را دارد و می‌تواند در نظریه شهر هوشمند در کنار فاوا که تأکید زیادی بر آن شده است، نقش‌آفرینی بارزتری را داشته باشد. در معنای دیگر، شهروند هوشمند باید به سطوحی از دانش و آگاهی رسیده باشد که در فضاهای شهری تعامل مناسبی با انسان و محیط‌زیست پیرامون خود داشته باشد. از این رو، شهروند هوشمند، تنها در اطلاعات و فناوری و میزان بهره‌گیری از آن، خلاصه نمی‌گردد، بلکه با «شاخص‌هایی نظیر حفظ محیط طبیعی، حس مشارکت، کمک و یاری اجتماعی و ... قابل ارزیابی است» (سجادی و آقایی، ۱۳۹۵).

۷. چارچوب قانون‌گذاری برای شهر هوشمند

منظور از چارچوب قانون‌گذاری برای شهر هوشمند، تعیین سیاست‌ها، نظریات و دیدگاه‌های حقوقی تخصصی قابل اجرایی است که زمامداران، ذینفعان و به طور کلی شهروندان شهر هوشمند را به مشارکت در همه امور شهر هوشمند فرامی‌خواند. در این زمینه باید چارچوب‌هایی نظیر مقررات‌گذاری، دسترسی به سرمایه، دسترسی به تحقیق و توسعه و فناوری، ظرفیت‌سازی کارآفرینان،

شرایط بازار و فرهنگ برای قانون‌گذاری مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین، در چارچوب مقررات‌گذاری فنی و زیرساختی برای شهر هوشمند، الزام به دست یافتن به زیرساخت‌های نهادی و قانونی مطلوب، اجرای درست رویکرد فاوا در خدمت توسعه و محور قرار دادن آن در شهر هوشمند و الزام به ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها به‌منظور بهره‌برداری متقابل از خدمات آن‌ها و یکپارچه نمودن آن‌ها در شهر هوشمند باید موردتوجه باشد. (هایل مقدم و نوری کرمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۵)

در زمینه الزامات حقوقی و قانونی دسترسی آسان و مطمئن به سرمایه، باید توجه کرد که الزام به گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن و ساده‌سازی مقررات تأمین بودجه و قانونی کردن انواع گزینه‌های مشارکت خصوصی - عمومی - مردمی، الزام به مقابله علیه تشکیل انحصارهای غیرطبیعی و نابابزاری در شهر هوشمند و الزام به حل چالش‌های کنونی واگذاری عمومی برخی از خدمات فاوا که اکنون ایراداتی شرعی و فقهی دارند، مانند اعتبار بانکی در خدمات بانکداری الکترونیکی شهر هوشمند و نهایتاً، الزام به تعیین حقوق سهم طلایی دولت در شهر هوشمند باید موردتوجه باشد. (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۸)

در خصوص الزامات دسترسی مطمئن به تحقیق و توسعه فناوری پیشرفته نیز باید تلاش کرد که الزام به توسعه منابع انسانی و حضور منطقی در بازار تحقیق و توسعه و تعاملات بین‌المللی عرضه و تقاضای فناوری و الزام به توجه بیشتر به تولید دانش، مصرف دانش، مدیریت دانش و توسعه جامعه دانش در شهر هوشمند محقق گردد. الزام به ظرفیت‌سازی و ارائه تسهیلات مالی به بخش‌های غیردولتی برای رسیدن به شهر نوآور و کارآفرین باهدف توسعه محیط کسب‌وکار، اجرای مهندسی فرهنگی و بهره‌گیری از شرایط مناسب بین‌المللی و منطقه‌ای، از الزامات و شرایطی است که باید از منظر قانون‌گذاری مدنظر قرار گرفته و اجرایی شود.

۸. مفهوم حقوق شهروندی

شهروند ترجمه فارسی ستیزن^۱ است و به کسی اطلاق می‌شود که اهل یک شهر یا کشور به شمار می‌آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود. در فرهنگ‌های علوم سیاسی نیز شهروند کسی است که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. بر این اساس الفاظی نظیر «شهروند، تبعه، همشهری، هم‌وطن، شارمند، شهرتاش و انسان عضو اجتماع»، همگی به یک معنا در فارسی مطرح شده‌اند. (پوررشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳) اگرچه این مفهوم همراه با دموکراسی در دولت - شهرهای یونانی پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم

1. Citizen

برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است، اما در معنای کلی «شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر است». (فلاح زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

به طور تاریخی مفهوم شهروندی وابسته به تبعه بودن است که مبتنی بر محروم کردن غیراتباع می‌باشد و در نتیجه گروه‌هایی که جزئی از اجتماع ملی نیستند محروم شده یا در حاشیه قرار می‌گیرند. طبق دیدگاه ناسیونالیستی و سنتی، شهروندی یعنی دریافت گذرنامه محل سکونت. با این وجود، برخی از قائلان به این دیدگاه کلاسیک مثل کاستلز^۱ و دیوسون^۲ می‌پذیرند که در کنار اصل خاک و خون اصل دیگری در حال رشد است که اهمیت زیادی دارد و آن اصل «اقامت» است. طبق ضابطه اقامت، افراد می‌توانند استحقاق شهروندی را با اقامت در یک کشور به دست آورند؛ اما این دسته از کلاسیک‌ها با اذعان به اهمیت روزافزون «اقامت» و با وجود اینکه حقوق بسیاری برای افراد مقیم دائم قائل هستند؛ مثل حق کار، حق بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی، تضمین امنیت، حمایت در برابر بازگشت اجباری و دست‌یابی به آموزش و پرورش این افراد، غیر تبعه را نه به عنوان شهروند، بلکه شبه شهروند می‌نامند. تفاوت شهروند با شبه شهروند، در عدم بهره‌مندی شبه شهروند از حقوق سیاسی و عدم بهره‌مندی کامل در حقوق اجتماعی است. (پوررشیدی، ۱۳۹۶، ص ۴)

در روم قدیم اتباع کشور به دو دسته تقسیم می‌شدند: شهروندان، یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند و رعایا، یعنی اقوام و ملل دیگری که تحت تسلط حکومت رومیان بودند. (رضایی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۱) این تقسیم‌بندی در یونان قدیم هم حاکم بود؛ شهروندان درجه یک که ساکنان اصلی یونان بوده‌اند و شهروندان درجه دو که بردگان و غیر یونانی‌ها بودند.

مارشال شهروندی را به سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. به گفته وی حقوق شهروندی در واقع در قرن ۱۷ و در پاسخ به مطلق‌گرایی و نهادینه شدن آن در دادگاه‌ها و محاکم حقوقی مطرح و در طی قرون بعدی توسعه یافته است. وی بخش اجتماعی شهروندی که شامل برخورداری از امتیازاتی نظیر بهداشت و آموزش معرفی کرده که در قالب سازمان‌های متولی رفاه سازمان‌دهی شده است. وی همچنین بحث حقوق اقتصادی را مطرح می‌کند که در راستی اعتقاد به دموکراسی صنعتی در شرایط بروز سرمایه‌داری (کاپیتالیزم) مطرح شده است. (Turner: 2000, p.6)

مارشال معتقد بود که توسعه شهروندمداری می‌تواند به عنوان ابزار سیاسی یکپارچگی برای مقابله با

1. Castells
2. Deivson

نیروهای تقسیم نابرابر قدرت عمل کند. (Schoettli & Sivak 2013, p.30)

نظریه قرارداد اجتماعی که صاحب نظران برجسته‌ای مانند هابز، لاک و روسو با مبانی و نتایج گاه متفاوت مطرح کرده‌اند، علیرغم اختلاف استدلال و تفاوت نتایج دارای وجه مشترک مهم و اساسی بود و آن بنیان نهادن و استوار نمودن قدرت سیاسی بر پایه رضایت و خواست آدمیزدگان یا به تعبیر روسو اراده عمومی بود. (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۷) در همین زمینه تالگوت پارسونز در سال ۱۹۵۴ نیز جنبه‌های یکپارچه سازمانی طبقه‌بندی اجتماعی را مورد بررسی قرار داد و قانون را به‌عنوان شرط اصلی آن معرفی کرده که در کنار مکانیسم نفوذ به تولید همبستگی اجتماعی کمک می‌کند. (Lidz & Pearl, 2009, p.207) به اعتقاد پارسونز، قانون به‌عنوان عنصر ضروری در تجزیه و تحلیل هر جامعه از جمله مصر باستان و امپراتوری بین‌النهرین؛ چین، هند و امپراتوری اسلامی، امپراطوری روم، اسرائیل و یونان، قرون وسطی، مسیحیان غربی و ایالات متحده است که تحقق آن رعایت حقوق شهروندی را در پی دارد. (Trevino: 2008, p.1)

جایگاه مفهوم شهروندی در حقوق ایران نیز قابل توجه است. اصطلاح شهروند در متن بسیاری از مقررات به‌کاررفته است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می‌رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه‌ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت دربر می‌گیرد. درحالی‌که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱، در تبصره ۴ ماده ۱ که اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده ۷ آنکه عبارت «نیازهای شهروندان» به‌کاررفته است، به نظر می‌رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است. (پروین، ۱۳۸۷، ص ۹۸)

با طرح منشور حقوق شهروندی از سوی دولت، این موضوع وارد فاز جدیدی شد. دولت هدف از انجام این کار را احترام به حقوق همدیگر و احساس آرامش در بخش‌های مختلف جامعه از جمله دانشگاه، بازار، ورزش و مدارس اعلام کرده است. در این خصوص نظرات مختلفی مطرح شده است. عده‌ای طرح این منشور را با توجه به مصرحات قانون اساسی و شرع مقدس اسلام امری غیرضروری می‌شمارند، اما عده‌ای دیگر آن را امری لازم و مقتضای شرایط جامعه امروز می‌دانند. این منشور باهدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به‌منظور تدوین برنامه و خط‌مشی دولت، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم‌شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای

آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است. (پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد حقوق بشر کشور، ۱۳۹۲) در مجموع حقوق شهروندی شامل مواردی چون حقوق مدنی، حقوق سیاسی - حقوقی، حقوق اقتصادی - اجتماعی به معنای «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه»، حقوق فرهنگی و حقوق قضایی است. (پروین، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰)

۹. حقوق شهروندی در شهر هوشمند

شهر هوشمند نیازمند بهره‌گیری از ابزارها و فناوری‌های هوشمند و به‌ویژه فضای سایبری و مجازی است تا در گرو آن بتوان بخشی از تبادل اطلاعات هوشمند میان شهروندان و ابزارهای شهر هوشمند را فراهم آورد. این مسئله نگرانی‌هایی را در خصوص حمایت و صیانت از حقوق و اطلاعات شهروندان پدید آورده است. افشای اطلاعات شخصی و نقض حریم خصوصی از مهم‌ترین نگرانی‌های منتقدان شهرهای هوشمند است و دامنه انتقاد این دسته را با توجه به توسعه روزافزون هکرها و افشای اطلاعات کاربران در فضای مجازی را گسترش داده است. عدم رفع موانع موجود مسیر صیانت از اطلاعات شخصی و مقابله با افشای اطلاعات نامحرمانه می‌تواند توسعه این شهرها را با چالش مواجه نماید. اگرچه تلاش‌های بسیاری برای رفع این مانع بزرگ انجام شده است، اما بار اصلی بر دوش طراحان شهرهای هوشمند است که بتوانند ابزارهای تحقق حقوق شهروندی در شهرهای هوشمند را تأمین نمایند. شهرهای هوشمند معمولاً بر بستری از شهرهای موجود ایجاد می‌شوند که تمام قوانین و مقررات مربوط به رعایت حقوق شهروندی را لحاظ کرده‌اند. از این‌رو بحث، در خصوص حقوق شهروندی چندان مشکل حادی پیش نمی‌آورد. تنها چالش موجود در این میان مربوط به نحوه تلفیق حقوق سنتی شهروند با حقوق شهرهای هوشمند است.

نکته دیگر در این میان مربوط به سرمایه‌گذاران این قبیل شهرهاست که نیازمند تعامل درست میان حاکمیت و این سرمایه‌گذاران و الزام آنان به رعایت حقوق شهروندی است. از این‌رو، می‌توان گفت که «حقوق شهروندی در شهر هوشمند، محدود به اهالی شهر هوشمند، بومیان و مرزهای فیزیکی شهر نمی‌شود و تلفیقی از حقوق سنتی شهروندی، حقوق شبکه وندی برخط و برون خط، حقوق بین‌المللی و الزامات حقوقی و قانونی جدیدی است که از ناحیه انقلاب صنعتی چهارم

دیگته می‌شود. در نتیجه، حقوق، قوانین و مقررات مربوط به شهر هوشمند در پرتو سه عامل یعنی چشم‌انداز شهر هوشمند، سهامداران شهر هوشمند و فرآیند توسعه شهر هوشمند مورد بحث قرار می‌گیرند». (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۶)

در این راستا باید تأکید کرد که تحقق حقوق شهروندی در شهرهای هوشمند مستلزم آن است که «پرداختن به مسائل پیچیده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در صورتی که با فناوری قابل حل است، در اولویت قرار گیرد». (Kempin Reuter, 2020, p.9) به دیگر سخن باید فناوری در خدمت کمک به حل مسائل شهروندی در حوزه‌های مختلف باشد، نه اینکه ابزاری برای تضییع حقوق قرار گیرد. از این‌رو، در شهر هوشمند، حقوق شهروندی، فناوری، سیاست‌ها و اصلاحات شهری را مؤثرتر می‌کند، اما هرگز نیروی محرکه نیست. گرین (۲۰۱۹) یک «آزمون فناوری» را برای سیاست شهری پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن اگر همان نتیجه‌ای که بدون استفاده از فناوری امکان‌پذیر بود، با اتخاذ سیاست‌های نوآورانه به نتایج مطلوبی می‌رسد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود؛ پس باید از فناوری استفاده کرد. نتیجه این آزمون بدان معناست که تنها در صورتی باید از فناوری استفاده کرد که به نتایج مطلوب‌تری دست یابد. در غیر این صورت بهره‌گیری از فناوری بدون توجیه خواهد بود و نباید در راستای توجیه تضییع حقوق شهروندی قرار گیرد.

بر این مبنا باید تأکید کرد که حقوق شهروندی باید به تحقق «حق عدالت اجتماعی» نائل شود که شامل «حق عدالت فردی» و مواردی بسیار فراتر نظیر حق آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق زندگی عادلانه و مواردی از این دست است. لذا حق شهروندی در شهرهای هوشمند «یک حق مشترک است و نه یک حق فردی و امری فراتر از آزادی فردی است». (Harvey, 2008) از این منظر، باید مجموعه جدیدی از تجربیات با داده‌های باز، کنترل داده‌های شخصی، برنامه‌های مدنی و حسگرهای جمع‌سپاری شده را به کار بست تا بتوان از قبال آن شهروندان را بدون محدود کردن حقوقشان به فناوری متصل کرد. (Kempin Reuter, 2020, p.20) و با برداشتن گام‌های اساسی، ضمن تحقق عدالت اجتماعی، عدالت فردی را نیز تأمین نمود.

اگرچه از منظر دیدگاه‌های «رادیکال دموکراتیک» از یک شهر هوشمند، شهروندان باید از حق و فرصت مشارکت فعال و معنادار در شهرسازی هوشمند برخوردار باشند اما این امر نه تنها به «حقوق و فرصت‌های مردم برای مشارکت در شهرسازی وابسته است، بلکه به تمایل و توانایی بازیگران درگیر نیز بستگی دارد». (Leclercq & Rijshouwer, 2022, p.10) بدین معنا که تمامی عوامل دخیل در فرآیند ایجاد شهر هوشمند به تأمین حقوق شهروندی معتقد باشند و آن را ملاک عمل خود قرار دهند. از این‌رو، نتیجه می‌گیریم که برای حمایت واقعی از حق شهروندان در شهر

هوشمند، نه تنها شهروندان فعال و باانگیزه‌ای لازم است که مایل به مشارکت در فرآیندهای مشارکت، توانمندسازی و رهایی هستند بلکه علاوه بر این، به فضای باز، انعطاف‌پذیر و شفاف نیز نیاز است. (Mayer, 2013) این امر فقط در سایه مشارکت تمامی نهادهای فعال در ایجاد و هدایت یک شهر هوشمند تحقق‌پذیر است.

نتیجه‌گیری

تحقق مؤلفه‌های مربوط به حقوق شهروندی در فرآیند ایجاد و توسعه شهرهای هوشمند نیازمند تعامل دولت با سرمایه‌گذاران شهرهای هوشمند است. در این مسیر باید تلاش کرد که اولویت در بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند و الکترونیک برای رفع مشکلات مردم در حوزه‌های مختلف و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت بیشتر و بهتر مردم باشد. در این مسیر رعایت حقوق مردم در حوزه‌هایی نظیر دسترسی آزاد به اطلاعات و آزادی بیان از جمله مباحثی است که باید موردتوجه جدی واقع شود. البته با این پیش‌فرض که این بار تنها حقوق هر فرد مطرح نیست، بلکه دایره گسترده‌ای از حقوق اجتماعی در جامعه شهر هوشمند باید مدنظر قرار گیرد. نتیجه این اقدام فراهم شدن مشارکت مردم در اداره شهرهای هوشمند است که درواقع تحقق عدالت اجتماعی را در پی دارد. ازاین‌رو، تکلیف اصلی در رعایت حقوق شهروندی در شهرهای هوشمند بر عهده سیاست‌گذاران حاکمیتی و سرمایه‌گذاران است تا بتوانند زمینه و امکان تحقق عدالت اجتماعی و مشارکت گسترده شهروندان را فراهم نمایند.

منابع

۱. احمدی، ملیحه؛ عمرانی؛ مرتضی (۱۳۹۴). «ارزیابی تأثیرات هوشمندسازی شهر با تأکید بر مؤلفه‌های توسعه پایدار»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۷ (۱)، ۱-۲۲.
۲. احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، ۳ (۸)، ۳-۱۸.
۳. پروین، فرهاد (۱۳۸۷). حقوق شهروندی در سیره نبوی و در حقوق ایران، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۷۲.
۴. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۷). «شهر هوشمند: تبیین ضرورت‌ها و الزامات شهر تهران برای هوشمندی»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰ (۲)، ۱-۲۲.
۵. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۷). «مفهوم و ویژگی‌های شهر هوشمند»، باغ نظر، ۱۵ (۵۸): ۵-۲۶.
۶. پوررشیدی، هاتف (۱۳۹۶). «نقش و تأثیر قدرت نرم و رسانه در تحقق حقوق شهروندی»، سومین همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، ارومیه.
۷. تیمورنژاد، کاوه؛ یوزباشی، علیرضا؛ ابراهیمی، مجید (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)»، اقتصاد و مدیریت شهری، ۵ (۱۹)، ۷۹-۹۵.
۸. حسین‌آبادی سعید و زنگنه یعقوب (۱۳۹۶). «تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزوار)»، جغرافیا توسعه فضای شهری، ۴ (۲)، ۱۸۹-۲۰۴.
۹. رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵). حقوق شهروندی، تهران: نشر آریان.
۱۰. روستایی شهریور، پورمحمدی محمدرضا و قنبری، حکیمه (۱۳۹۷). «تئوری شهر هوشمند و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در مدیریت شهری مورد شناسی: شهرداری تبریز»، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۸ (۲۶)، ۱۹۷-۲۱۶.
۱۱. سجادی، ژیلای؛ آقایی، پرویز (۱۳۹۵). «ارزیابی مؤلفه‌های شهروند هوشمند در فضاها و شهری با رویکرد انتقادی بر نظریه رشد هوشمند شهری (مورد: محله ولنجک، منطقه ۱ شهر تهران)»، مطالعات مدیریت شهری، ۲۵ (۸)، ۴۰-۴۹.
۱۲. شهبازی آرامش و شبانی کلاهی، ساناز (۱۴۰۳). «چالش‌های حقوقی حفظ حریم خصوصی در شهرهای هوشمند با نگاهی به حقوق بین‌الملل و حقوق ایران»، حقوق فناوری‌های نوین، ۵ (۹)، ۲۲۱-۲۳۴.

۱۳. صوفی، مریم؛ شفیع اف؛ رعناالسادات (۱۳۹۶). «تحلیلی بر حقوق شهروندی در ایران و مقایسه تطبیقی آن با سایر کشورهای جهان»، کنفرانس بین‌المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی.

۱۴. فارغ زاده، ندا؛ جمشیدی، حسینعلی (۱۳۹۶). شهر هوشمند با رویکرد توسعه پایدار، سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

۱۵. فرهاد فرهادی و همکاران (۱۴۰۱)، «شناسایی مؤلفه‌های حقوق شهروندی و اولویت‌بندی آن در فضای مجازی با استفاده از تحلیل تم و دیمتل فازی (مطالعه موردی: فولادشهر)»، مطالعات حقوقی فضای مجازی، ۱ (۴)، ۷۷-۹۴.

۱۶. فقیهی، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). شهرهای هوشمند و الزامات قانونی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۷. موسوی، سید محسن؛ مبارکی، محمد (۱۳۹۶). «بازنمایی رابطه بین نگرش به دولت و شهروندی اجتماعی فعال»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷ (۲۵)، ۱۵۷-۱۷۷.

۱۸. فلاح تفتی، حامد؛ حیدری کوشکنو، مجید؛ الماسی سروستانی، راضیه (۱۳۹۷). «شناخت مؤلفه‌های شهروند هوشمند در محیط شهری با رویکرد یادگیری فناورانه (مورد مطالعه: شهر یزد)»، اقتصاد و مدیریت شهری، ۷ (۲۵)، ۷۶-۵۹.

۱۹. فلاح زاده، علی محمد (۱۳۸۶). «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، ۷۱ (۵۸)، ۴۷-۶۴.

۲۰. مولانی، محمد مهدی؛ شاه‌حسینی، گلاره؛ دباغچی، سمانه (۱۳۹۵). «تبیین واکاوی چگونگی هوشمندسازی شهرها در بستر مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی اثرگذار»، نقش جهان، ۳ (۶)، ۷۵-۹۳.

۲۱. هایل مقدم، کیان؛ نوری کرمانی، علی (۱۳۹۷). «بررسی نقش مدیریت شهری در هوشمند سازی شهر (مورد مطالعه: منطقه ۵ شهرداری تهران)»، علوم جغرافیایی، شماره ۱۵ (۳)، ۱۲۷-۱۳۸.

1. Ahmadi Tabatabaei, Seyyed Mohammad Reza (2009). Citizens' Rights with Emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Islamic Revolution Approach, 3(8), 3-18.
2. Bakıcı, Tuba; Almirall, Esteve; Wareham, Jonathan (2013). A Smart City Initiative: The Case of Barcelona, Journal of the Knowledge Economy, 4 (2), 135-148.
3. Baraldi, C. Cockburn, T. (2018). "Introduction: Lived Citizenship, Rights and Participation in Contemporary Europe", In: Theorizing Childhood, Palgrave Macmillan, Cham, 1- 27.
4. Barrionuevo, Juan; Berrone, Pascual; Ricart, Joan (2012). Smart Cities, Sustainable Progress: Opportunities for Urban Development, IESE Insight Doi: 10.15581/002.ART-2152.

5. Boulos, M. N. K. et al. (2021). Smart cities and the role of smart citizenship. *International Journal of Urban Sciences*, 25 (2), 123-137.
6. Capra, C. F. (2016). "The Smart City and its citizens: Governance and citizen participation in Amsterdam Smart City", *IJEPR*, 5 (1), 20-38.
7. Castells, M. (1989). *The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring and the Urban Regional Process*, Blackwell, Oxford.
8. Cox, C. García, C. (2017). "Evolution of Citizenship Education in Chile", In: *Civics and Citizenship*, Sense Publishers, Rotterdam, 85-103.
9. De Waal, M. Dignum, M. (2017). "The Citizen in the Smart City. How the Smart City Could Transform Citizenship, *It- Information Technology*, 59 (6), 263-273.
10. Faghihi, Mehdi; et al. (2016). "Smart City and its Legal Requirements", Tehran: Islamic Parliament Research Center.
11. Fallah Tafti, Hamed; Heydari Kooshaknoo, Majid; Almasi Sarvestani, Razieh (2019). "Understanding of Smart Citizen Components in Urban Environment with Technological Learning Approach (Case: Yazd City), *IUESA*, 7 (25), 51-62.
12. Fallahzadeh, A. M. (2007). The relationship between citizenship rights and human rights, *The Judiciarys Law Journal*, 71(58), 47-64. doi: 10.22106/ijl.2007.11416
13. Farhadi, Farhad, et al. (2021), "Identifying the Elements of Citizenship Rights and Prioritizing Them in the Cyberspace Using Theme Analysis and Fuzzy DEMATEL Technique (Case Study: Fouladshahr City), *Legal Studies of Cyberspace*, 1 (4), 77-94.
14. Green, B. (2019). *The Smart Enough City: Putting Technology in Its Place to Reclaim Our Urban Future*, Cambridge, MA: MIT Press.
15. Hail-Moghadam, Kian; Nouri-Kermani, Ali (2018). "Investigating the role of urban management in making the city smart (case study: District 5 of Tehran Municipality), *Geographical Science*, 15 (3), 127-138.
16. Habitat III. (2015). *Smart Cities*, United Nations. Conference on Housing and Sustainable Urban Development
17. Harvey, D. (2008). "The Right to the City", *New Left Review*, 53, 23-40.
18. HosseinAbadi, Saeed; Zanganeh, Yaghoob (2017). "The Impact of Awareness of Urban Law on Active Citizenship (C ase Study: Sabzevar), *Geography and Urban Space Development*, 4 (2), 189-204.
19. Keating, A. Janmaat, J. G. (2015). "Education through Citizenship at School: Do School Activities Have a Lasting Impact on Youth Political Engagement? *Parliamentary Affairs*, 69 (2), 409-429.
20. Leclercq, E. M. Rijshouwer, E. A. (2022). Enabling citizens' Right to the Smart City through the co-creation of digital platforms Urban Transformations, 4:2. <https://doi.org/10.1186/s42854-022-00030-y>
21. Lidz, J; Pearl, L When domain-general learning fails and when it succeeds: Identifying the contribution of domain specificity, *Language Learning and Development* 5 (4), 235-265
22. Lierow, M (2014). B2City: the next wave of urban logistics www.supplychain247.com/paper/b2city_the_next_wave_of_urban_logistics
23. Marcus, Jason (1997). "The Environmental and Social Impacts of Telecommuting and Tele Activities", Chapter 7.
24. Mayer, M. (2013). First world Urban Activism - beyond Austerity Urbanism and Creative City Politics, *City*, 17 (1): 5-19.

25. Mosannenzadeh, F. Vettorato, D. (2014). Defining smart city: A conceptual frame work based on key word analysis, *Journal of Land Use, Mobility and Environment*.
26. Moulaii, M; Shahhoseini, G; Dabaghchi, S. (2016). "Explaining and analyzing how to make smart cities in the context of the influencing components and key factors", *Naqshejahan*, 6 (3), 75-93.
27. Mousavi, S. M. Mobaraki, M. (2018). Representation of relationship between Attitude to the State and Active Social Citizenship. *Strategic Studies of public policy*, 7(25), 157-177.
28. Nam, T. and Pardo, T.A. (2011) Conceptualizing Smart City with Dimensions of Technology, People, and Institutions. Proceedings of the 12th Annual International Digital Government Research Conference: Digital Government Innovation in Challenging Times, College Park, 12-15 June 2011, 282-291. <https://doi.org/10.1145/2037556.2037602>
29. Nijkamp, P; Kourtiti, K (2012). "The 'New Urban Europe': Global Challenges and Local Responses in the Urban Century", *Eur Plan Stud* 21(3), 291-315.
30. Pourahmad, Ahmad; et al. (2018). "Explanation of Concept and Features of a Smart City", *Bagh-e Nazar*, 15 (28), 5-26.
31. Pourrashidi, Hatef (2016). "The Role and Impact of Soft Power and Media in the Realization of Citizenship Rights", the 3rd National Conference on the Interpretation of Citizenship Rights, Urmia.
32. Rezaiepour, Arezu (2006). Civil Rights, Tehran: Arian Publication.
33. Kempin Reuter, Tina (2020). Smart City Visions and Human Rights: Do They Go Together? – Understanding the impact of technology on urban life, Harvard Kennedy School: CARR Center for Human Rights Policy
34. Roostaei, Shahrivar; Poormohamadi, Mohammadreza; Ghanbari, Hakimeh (2018), "A Theory of Smart Cities and Assessment its Infrastructure Components in Urban Management (Case Study: Tabriz Municipality)", *GTSA*, 8 (26), 197-216.
35. Shahbazi, Aramesh; Shabani Kolahi, Sanaz (2024). "Legal Challenges of Privacy Protection in Smart Cities Considering International and Iranian law", *Modern Technologies Law*, 5 (9), 221-234.
36. Söderström, O. et al. (2014). Smart cities: Definitions and challenges. *Smart Cities: A Global Perspective*, 1-23.
37. Schoettle, B; Sivak, M (2013). The Reasons for the Decline in Young Driver Licensing in the U.S. Transportation Research Institute, Michigan: The University of Michigan Report No: UMTRI-2013-22.
38. Sufi, Maryam; Shafiof, Rana al-Sadat (2015), "An Analysis of Citizenship Rights in Iran and Its Comparison with Other Countries in the World", International Conference of Civil Engineering, Architect and Urban Planning Elites.
39. Teymournejad, K; Youzbashi, A; Ebrahimi, M (2017). "Effective Factors on Citizenship Education Emphasizing on Urban Sustainable Development (Case: Zanjan Municipality)", *IUESA*, 2017; 5 (19):79-95.
40. Turner, Stephen; Uludag, Suleyman (2015). Towards Smart Cities: Interaction and Synergy of the Smart Grid and Intelligent Transportation Systems.
41. Trevino, Javier (2008). Talcott Parsons on Law and the Legal System, Newcastle: Cambridge Scholars Pub.
42. United Nation (2015). "World Urbanization Prospect: the 2014 Revision", Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.